

پویا نعمت‌اللهی: الزوم حمایت افکار عمومی در پروژه میدان نفتی آزادگان



دکتر پویا نعمت‌اللهی / روزنامه نگار و کارشناس علوم ارتباطات اجتماعی: قرارداد توسعه یکپارچه میدان نفتی آزادگان به عنوان بزرگ‌ترین پروژه سرمایه‌گذاری در دولت سیزدهم به ارزش حدود ۱۱.۵ میلیارد دلار امضا شد. شرکت ملی نفت ایران در کنار کنسرسیومی متشکل از ۹ شرکت دیگر وارد قرارداد توسعه این میدان شدند.

بخش قابل‌توجهی از ذخایر ایران به عنوان بزرگ‌ترین دارنده ذخایر نفت و گاز جهان، در مناطق مرزی آبی و خاکی قرار گرفته است. بنابراین یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های وزارت نفت در طول سالیان گذشته، بهره‌برداری هرچه بیشتر و سریع‌تر از این میادین مشترک است. طبق برخی برآوردها اکنون تعداد ۶ میدان نفتی مشترک با عراق وجود دارد که بزرگ‌ترین آنها به نام میدان مشترک نفتی آزادگان

شناخته می‌شود. آغاز توسعه این میدان به اوایل دهه ۱۳۸۰ برمی‌گردد. اهمیت این میدان علاوه بر ذخایر بسیار زیاد، به این دلیل است که طرف عراقی در آن سوی مرز، به مدد فناوری‌ها و حضور سرمایه‌گذاران خارجی با سرعت زیاد در حال برداشت است.

با توجه به اینکه بیشتر مساحت آزادگان در بخش شمالی در تالاب هورالعظیم واقع شده است، عملیات توسعه‌ای آن با دشواری‌هایی با هدف رعایت ملاحظات زیست‌محیطی روبه‌رو بود. علاوه بر این میدان آزادگان با توجه به اینکه در خط مقدم هشت سال دفاع مقدس قرار داشت، منطقه خطرناکی به لحاظ مین‌های به‌جامانده از جنگ بود که البته پاکسازی میدان واقعا هزینه و وقت زیادی را مصرف خود کرد.

ابعاد میدان به لحاظ فنی و جغرافیایی بسیار بزرگ بود و به همین خاطر در ابتدا به دو فاز «شمالی» و «جنوبی» تقسیم شد. اولین گام در توسعه میدان آزادگان در بخش جنوبی آن برداشته شد ولی به تدریج و با تغییر و تحولات و رفت‌وآمد و تعلل و بدقولی‌های شرکت‌های خارجی طرف قرارداد، نهایتا به این جمع‌بندی رسیده شد که تاخیر زیادی در بهره‌برداری اتفاق افتاده و این در حالی بود که طرف عراقی در تمام این سال‌ها در سکوت خبری مشغول توسعه و ازدیاد برداشت از میدان بوده است. به همین خاطر بهترین کار این بود که میدان به صورت تجمیعی و یکپارچه توسعه داده شود. تجربه سال‌های تحریمی نشان داده که نمی‌توان برای توسعه این میدان بر روی شرکت‌های خارجی حساب کرد. از سوی دیگر توانمندی شرکت‌های داخلی نیز در این سال‌ها ارتقا یافته و مشخص شد که توسعه میدان با فناوری‌های در دسترس و با تکیه بر شرکت‌های داخلی امکان‌پذیر است. در سال‌های گذشته بخش‌هایی از این میدان به صورت محدود توسعه داده شده و تولید نفت نیز محقق شده است. اما به لحاظ تجاری و خصوصا با توجه به اقدامات طرف عراقی در تشدید برداشت از این میدان، لازم بود که تصمیم جدی‌تری برای توسعه آن اتخاذ شود.

متأسفانه موضوع امضای قرارداد در آخرین روز کاری سال قبل (که افکار عمومی به همه چیز فکر می‌کند جز به امضای یک قرارداد نفتی)، چندان قابل فهم نیست و چه بسا در افکار عمومی ناظر بر قصد خاصی تعبیر شود اما به نظر می‌رسد واقعیت امر آن است که حتی یک روز تاخیر در کار توسعه این میدان چیزی جز ضرر و زیان نیست.

این میدان به لحاظ فنی کاراکتر خاص و ویژه‌ای دارد که مشابه آن

را کمتر می‌توان سراغ گرفت. ابتدا اینکه دهمین میدان نفتی بزرگ جهان و بزرگ‌ترین میدان نفتی مشترک کشور است. همین مؤلفه به تنهایی می‌تواند هرگونه کاستی در توسعه آن را بی‌معنا جلوه دهد. از سوی دیگر مهم‌ترین مخزن جوان کشور هم محسوب می‌شود. در ادبیات فنی به این موقعیت اصطلاحاً «میدان سبز» یا «گرین‌فیلد» گفته می‌شود. منظور این است که توسعه جدی و همه‌جانبه‌ای در آن اتفاق نیفتاده و استعداد پذیرش توسعه، برداشت زیاد، امکان توسعه‌های چندلایه و چندبُعدی و نهایتاً افزایش تولید را دارد. حجم نفت درجای میدان حدود ۳۲ میلیارد بشکه برآورد شده است.

طبق آنچه مدیران کلان کشور در مراسم امضای قرارداد اخیر اظهار کرده‌اند، این میدان قرار است یکی از ستون‌های افزایش تولید نفت در کشور باشد. هدف از این قرارداد نیز تولید بیش از نیم میلیون بشکه (رقم دقیق ۵۵۰ هزار بشکه در روز) نفت خام است که جایگاه کشور را در عرصه بازار نفت کاملاً متحول می‌سازد. طبعاً انجام عملیات اجرایی برای میدانی با این مشخصات، کاملاً نفس‌گیر است. به عنوان نمونه مدیریت مخازن میدان باید به گونه‌ای باشد که هدف تولید بهینه از چاه‌ها و میدان اتفاق افتاده و افزایش تولید میدان از ۲۰۵ به ۵۵۰ هزار بشکه در روز محقق شود.

بدین‌منظور باید اقدامات وسیع و بسیار تخصصی صورت بگیرد. نباید فراموش کرد که رقیب آن سوی مرز (یعنی عراق) با تکیه بر معتبرترین شرکت‌های نفتی که جدیدترین فناوری‌های مربوطه را در اختیار دارند، به طور مستمر در حال فعالیت است. بعید است چنین فناوری‌هایی در حال حاضر در اختیار کشور باشد اما با تکیه بر حمایت‌های عمومی و توان فناورانه و مهندسی شرکت‌های داخلی، می‌توان به توسعه هرچه زودتر و بهینه‌تر امیدوار بود. فقط در یکی از ابعاد که همانا حفاری است، مقرر شده که تعداد ۵۴۷ حلقه چاه (چاه‌های تولیدی نفت، تزریقی آب و توصیفی) حفر شود که روش‌های فرازآوری مصنوعی نظیر نصب پمپ‌های درون‌چاهی یا فرازآوری با گاز مورد بررسی قرار گیرد. در کنار آن نیز باید به تکمیل چاه‌های چندشاخه‌ای و افقی نیز دست یازید.

ناگفته نماند که برخی اقدامات از گذشته صورت گرفته و خوشبختانه قرار نیست همه چیز از نقطه صفر آغاز شود. به تدریج با تکمیل تاسیسات سطح‌الارضی، مهندسی، خرید و ساخت تجهیزات سرچاهی و خطوط لوله جریانی، وارد فرآیندهای مرتبط با واحدهای بهره‌برداری و خطوط اصلی انتقال نفت و گاز خواهیم شد. این محصولات به تلمبه‌خانه

غرب کارون و کارخانه NGL-۳۲۰۰ می‌رود که پیشاپیش آماده دریافت آنهاست. این پروژه عظیم توسعه ای حدود ۶۰ هزار فرصت شغلی ایجاد می‌کند (مستقیم و غیرمستقیم) که البته حدود ۲۳۰ میلیون دلار جهت هزینه مسوولیت‌های اجتماعی صرف خواهد شد. با این اوصاف پیش از هرچیز لازم است که تمامی آحاد جامعه در جریان این پروژه قرار گرفته و به آثار و برکات پیشبرد آن واقف شوند. قطعاً چنین پروژه ای با این عظمت بدون همراهی و حمایت عمومی راه به جایی نمی‌برد. این وظیفه بر دوش همه دستگاه‌های اطلاع‌رسانی و مدیریت افکار عمومی در تمامی سطوح است که تبیین دقیقی از این پروژه به دست بدهند نه اینکه امضای آن را به آخرین روز سال واگذار کنند.